جایگاه استظهار از عموم اخبار و استظهار از روایتی خاص

شاگرد: اشکال اول منتقی را میخواهید قبول کنید ای صرفاً آن را تقریر میکنید؟

استاد: اشکال اول را خیلی ها به صاحب کفایه گفتهاند.

شاگرد: یعنی میخواهید آن را قبول کنید؟

استاد: بله، من جلوتر هم عرض کردم. من چند مسأله در ذهنم هست. اول اینکه قطع نظر از مسأله معروف که الیقینی از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا هم میتواند دال بر استصحاب باشد و هم دال بر این باشد که یقین در شهر مبارک شرط است. منافاتی با هم ندارند.

شاگرد۲: از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا نیست. از باب جامعگیری است.

استاد: آن هیچ، فعلاً دارم مرحله به مرحله جلو میروم. حتی اگر بگویید باب استعمال لفظ در بیش از یک معنا خلاف ظهورات و استظهارات عرفی است، میتوانیم جامع گیری کنیم و بگوییم در اینجا الیقینی که حضرت میگویند یقین به شعبان با یقینی بودن ماه مبارک به هم مربوط است که توضیح آن را بعداً عرض میکنم. تحت یک واحد در میآیند. مشکلی ندارد که شما بگویید چون منظور از یقین یعنی یقینی بودن رمضان، پس استصحاب درست نیست! اتفاقا بعداً میخواهم این را عرض کنم که اساس عرض من همین است. اینکه در ماه مبارک میگوییم یقینی بودن خیلی در ماه مبارک پررنگ است، با پشتوانه استصحاب پررنگ است. اصلاً عرض من همین است. لذا من اشکال اول ایشان به صاحب کفایه را وارد میدانم. یعنی منافاتی ندارد حتی اگر شما میخواهید سائر روایات را ببینید، سائر روایات، صارف از دلالت مکاتبه بر استصحاب نیست. نه تنها صارف نیست بلکه همگرا و معاضد هم هستند. تعاضد آنها را بعداً عرض میکنیم.

شاگرد: قدم های بعدی همینی است که منتقی گفتهاند. همینی که میفرمایند متصل باید لفظی باشد. اگر در قرائن منفصله باشد باید در ذهن او حاضر باشد... .

استاد: اینها را من توضیح دادم. عبارت ایشان این است؛ من نخواندم چون میخواستم سومی را بخوانم.

«ولكن يرد عليه : ان مجرد ثبوت الحكم المزبور ـ أعني اعتبار اليقين بدخول رمضان في صحة الصوم ـ في الروايات المتواترة لا يصلح قرينة على صرف هذه الروايه عن ظهورها في الاستصحاب»؛ آنها جای خودش درست است. یقین در ماه مبارک شرط است. پس

یعنی این روایت دلالت بر استصحاب ندارد؟! چرا؟ این مربوط به استصحاب است و استصحاب را هم به‌عنوان یک قاعده ثابت می‌کند و مشکلی هم ندارد. آن روایات هم می‌گویند که یقینی هم شرط است. یعنی دو مطلبی است که مانعة الجمع نیست.

شاگرد: فضای ذهنی مرحوم آخوند این نبوده که من در ابتدای امر ظاهر در استصحاب می‌گیرم و بعد با قرینه روایات دیگر می‌گویم یقینی موضوعیت دارد. بلکه این مانند همانی است که می‌گویی‌م با مجموع روایات یک چیزی را می‌فهمیم. یعنی یک تعاضدی با هم می‌کنند و یک دیگر را کمک می‌کنند تا یک چیزی بفهمیم. منظور ایشان همین است. و الا اگر از خودش ایشان بپرسید که ایشان نمی‌گویند من ظاهر اولیه آن را استصحاب می‌بینم.

استاد: ببینید آن نکته خوبی است. ما در سراسر فقه یکی از مهم‌ترین چیزها را این می‌دانیم که باید همه روایات را با هم ببینیم. علماء و اساتید چقدر این‌ها را تکرار می‌کنند. می‌گویند همه کلمات شارع باید با هم دیده شود. این حرف درستی است. اما در کجا؟ در آن جایی که می‌خواهیم از چند دلیل با هم کشف مراد کنیم. اما اینجا می‌خواهیم یک ظهور را از ظاهرش صرف بدهیم.

شاگرد: اگر توضیح آقای ایروانی را به آن ضمیمه کنیم به این صورت می‌شود: تا جایی که می‌توانیم نباید «الیقین لایدخله الشک» را تنزیلی معنا کنیم. تا جایی که می‌توانیم باید یقینی و بودن مجاز و تنزیل آن را معنا کنیم. لذا همانی می‌شود که آخوند می‌گوید. لذا ظهور ابتدائی آن را همین می‌بینند. بقیه هم با هم تعاضد می‌کنند که همین معنا را برسانند.

استاد: خب اگر قاسانی آن نکته را می‌دانست محتاج به سؤال بود ای نبود؟ این نکته که قاسانی می‌داند که اگر شک کردی اصلاً ماه مبارک ماه مبارک نیست. می‌دانیم که صوم و ماه مبارک به یقین به حصول آن ناظر دارد. یقین جزء موضوع است. این تصریح عبارت آقای ایروانی بود. اگر این‌ها را می‌دانست یعنی او متوجه بود که امام می‌خواهند بفرمایند الیقین. یعنی ماه مبارک به آن صورت است. قوامش به یقین است. اگر این را می‌دانست آیا نامه می‌نوشت که «عن الیوم الذی یشک فیه رمضان أیصام؟

شاگرد: در این تقریر حتماً لازم نیست که او بداند.

استاد: وقتی او نمی‌داند احتمال دومی که آقای ایروانی فرمودند نمی‌آید. مگر قرائن منفصله را نگاه کنیم. به‌خاطر این‌که او می‌گوید من در روز ماه مبارک شک دارم، پس شک در ماه مبارک مورد سؤال او است. آن وقت حضرت می‌فرمایند الیقین؟!

> 44:36

شاگرد: حضرت می‌فرمایند این قضیه با یقین پیش می‌رود. اگر تو شک بکنی که دیگر ماه رمضان نیست. حضرت با این دارند از موضوع اخبار می‌دهند. الیقین لایدخل فیه الشک یعنی من دارم برای تو موضوع را تنقیح می‌کنم. اصلاً ماه رمضان یقینی است. چیزی نیست که بخواهد در آن شک شود.

استاد: یعنی به او بگویند اصلاً در ماه مبارک شک نمی‌شود؟ این‌طور؟ پس باید بگویند که سؤال تو بی جا است. عن الیوم الذی یشک فیه رمضان، لا معنی لهذا الشک لان شهر رمضان یواقع الیقین. ما لیس بمتیقن فلیس بمشکوک. نقطع بعدم کونه من رمضان. حضرت باید این‌طور جواب بدهند. نه این‌که بفرمایند الیقین لایدخل فیه الشک. خصوصاً بگویند یقین یعنی ماه مبارک. برای کسی که اصلاً این را نمی‌داند.

شاگرد۲: عده بودن «الیقین» مئونه اضافه میخواهد. الیقین یعنی یقین به ماه مبارک رمضان و اینکه آن موضوعیت دارد. همه اینها مئونه زائده میخواهد.

استاد: حالا من اصل بحث را عرض میکنم. من میخواهم وجه سوم را بگویم.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 15:27:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 15:30:05 توسط ... .